



پروژهٔ آمریکایی خلع سلاح منجر به درگیری در بیروت می شود

شلیک دولت لبنان به امنیت لبنان؟



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

آمریکا دولت لبنان را تحت‌فشار قرار داده تا پرونده خلع سلاح مقاومت این کشور را تعیین تکلیف کند. به طور آشکاری دولت چنین قدرتی ندارد. مقاومت و متحدانش بخش قابل توجهی از پارلمان را تشکیل داده و در دولت حضور دارند و از سوی دیگر بر اساس توازن جمعیتی و نظامی، دولت و مخالفان مقاومت قادر به تحقق خلع سلاح نیستند. این برآورد حکایت از آن دارد که آمریکا نخست برای ایجاد اختلاف و فتنه داخلی و دوم به جهت مشروع سازی و زمینه سازی حملات رژیم صهیونی، به تصمیم دولت لبنان مبنی بر لزوم خلع سلاح مقاومت نیاز دارد. اگر دولت تصمیمی علیه مقاومت اتخاذ کند و به سمت اجرایی کردن آن گام بردارد، درگیری داخلی رخ خواهد داد، اما اگر دولت تنها بیانیه‌ای مبنی بر خلع سلاح صادر کرده اما گامی برندارد، همین تصمیم یک مشروعیت‌سازی برای رژیم صهیونی خواهد بود تا با بهانه قراردادن بیانیه دولت و غیرقانونی خواندن حضور عناصر مسلح در جنوب لبنان، بار دیگر این کشور را در معرض هجوم قرار دهد. مقاومت لبنان روز گذشته در برابر تحولی که جر یان داشت، تقریباً هم‌زمان با جلسه دولت دو اقدام انجام داد؛ نخست سخنرانی شیخ نعیم قاسم، دبیرکل مقاومت و دوم رژه موتوری طرفداران مقاومت در سطح شهر بیروت. دبیرکل حزب‌الله در مراسم بزرگداشت شهید ایزدی اعلام کرد: «فرستاده آمریکا با دستوراتی برای خلع‌سلاح لبنان و مقاومت آمد که کاملاً به نفع اسرائیل است.» او در ویرابراین حرکت واشتگتن تأکید کرد که «مانمی‌توانیم به هیچ جدول زمانی‌ای برای خلع سلاح لبنان از قدرتی که تحت تسلیم و تجاوز اسرائیل اجرا می‌شود، متعهد شویم.» دبیرکل مقاومت لبنان در موضعی هوشمندانه و منطقی با نگاه اجماعی در این کشور برای بر ملا کردن اهداف دشمن خواستار اجرای مفاد توافق قبلی (آتش‌بس) با دشمن شد. این موضع‌گیری از آنجا اهمیت دارد که آمریکا و رژیم صهیونی بدون آنکه به توافق به‌دست آمده قبلی در هشت ماه پیش پایبند باشند؛ توافق جدیدتری را می‌خواهند که مشخص نیست به آن نیز پایبند بمانند.

دولت

دولت لبنان حتی با وجود حضور متحدان مقاومت از جریان آزاد ملی مسیحیان به رهبری میشل عون و جنبش امل شیعیان به رهبری نبیه بری به دلیل فشارهای آمریکا، قادر به مقاومت حداکثری و قاطع در برابر واشگتن نیست. با این حال آن‌ها با استفاده از پیچیدگی‌های لبنان و موضوعات مطرح شده، قادرند با سیاست‌ورزی تمایلات آمریکا را مهار کنند. از این رویکی از مسائلی که از درون دولت پیش از جلسه به گوش می‌رسید، تصمیم برای گروزدن مسئله خلع‌سلاح به موضوعات کلی مانند عقب‌نشینی رژیم صهیونی از پنج نقطه اشغالی جنوب بود.

جایگاه و قدرت مقاومت و شیعیان

مقاومت لبنان گستره‌ای وسیع دارد و شامل گروه‌هایی از ادیان، مذاهب و ایدئولوژی‌های مختلف می‌شود؛ اما اساس آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. در حال حاضر تقریباً تمام نیروی شیعیان مربوط به مقاومت است و حتی برخی جناح‌های کوچک سکولار نیز بدون آن قادر به حفظ امتیازهای خود در قالب مذهب شیعه در نظام طائفی لبنان نیستند. از این‌رو مقاومت با شیعیان لبنان یکسان انگاشته می‌شود.

دردسرهای درونی

اوضاع داخلی اسرائیل در ماه‌های اخیر غیرقابل کنترل شده‌است. از یک‌سو شهرک‌نشینان و افکار عمومی از اقدامات کابینه علیه حماس در غزه استقبال می‌کنند، از سوی دیگر ادامه جنگ و وضعیت مبهم اسرای اسرائیلی برای تانیاهو دردسرساز شده‌است. اعتراضات گسترده و مداوم خانواده‌های اسرا، تانیاهو را در موقعیتی سخت قرار داده‌است. آن‌ها هر هفته در تظاهرات گسترده، خواهان آزادی فوری زندیکانشان هستند و مخالف هر اقدام نظامی هستند که جان اسرا را به خطر بیندازد. این فشارها تانیاهو را به سمت اتخاذ تصمیمات مهم سوق می‌دهد. او با یک دوگانگی مواجه است. یا باید به تصمیم خود و افراد راست افراطی کابینه ادامه و تشدید را اجرا کند یا باید برای آزادی اسرا انعطاف نشان دهد که در این صورت انتشارش در معرض خطر فرو پاشی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر طرح اشغال غزه بیشتر یک حرکت سیاسی برای جلب رضایت راست‌گرایان افراطی و پرت کردن حواس از شکست‌های امنیتی و سیاسی تانیاهو است. این طرح به شهرک‌نشینان و حامیان تانیاهو این پیام را می‌دهد که کابینه در عزم خود برای نابودی کامل حماس مصمم است، حتی اگر به قیمت به خطر انداختن اسرا باشد. تانیاهو هر زمانی که از داخل تحت فشار قرار گرفته، به جای حل مسئله به دنبال راهکارهای انفجاری و کوتاه‌مدت است تا از سقوط سیاسی خود جلوگیری کند.

دردسرهای درونی

اوضاع داخلی اسرائیل در ماه‌های اخیر غیرقابل کنترل شده‌است. از یک‌سو شهرک‌نشینان و افکار عمومی از اقدامات کابینه علیه حماس در غزه استقبال می‌کنند، از سوی دیگر ادامه جنگ و وضعیت مبهم اسرای اسرائیلی برای تانیاهو دردسرساز شده‌است. اعتراضات گسترده و مداوم خانواده‌های اسرا، تانیاهو را در موقعیتی سخت قرار داده‌است. آن‌ها هر هفته در تظاهرات گسترده، خواهان آزادی فوری زندیکانشان هستند و مخالف هر اقدام نظامی هستند که جان اسرا را به خطر بیندازد. این فشارها تانیاهو را به سمت اتخاذ تصمیمات مهم سوق می‌دهد. او با یک دوگانگی مواجه است. یا باید به تصمیم خود و افراد راست افراطی کابینه ادامه و تشدید را اجرا کند یا باید برای آزادی اسرا انعطاف نشان دهد که در این صورت انتشارش در معرض خطر فرو پاشی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر طرح اشغال غزه بیشتر یک حرکت سیاسی برای جلب رضایت راست‌گرایان افراطی و پرت کردن حواس از شکست‌های امنیتی و سیاسی تانیاهو است. این طرح به شهرک‌نشینان و حامیان تانیاهو این پیام را می‌دهد که کابینه در عزم خود برای نابودی کامل حماس مصمم است، حتی اگر به قیمت به خطر انداختن اسرا باشد. تانیاهو هر زمانی که از داخل تحت فشار قرار گرفته، به جای حل مسئله به دنبال راهکارهای انفجاری و کوتاه‌مدت است تا از سقوط سیاسی خود جلوگیری کند.

تانیاهو و گزینه‌های پیش رو

کابینه اسرائیل در حال حاضر دو گزینه اصلی برای ادامه جنگ در غزه پیش رو دارد.

گزینه اول. **اشغال کامل غزه**: این طرح که توسط تانیاهو و متحدان



توانمندی شیعیان لبنان فراتر از ظرف این کشور است، بنابراین ضمن توانایی مقابله با تحولات داخلی، قادر به تحمل و مواجهه هم‌زمان با تحولات منفی خارجی است. بر این اساس در لحظات مواجهه با تهدید دوگانه داخلی – خارجی متزلزل نمی‌شود. تلاش برای مقابله با شیعیان لبنان، در سایه قدرت شیعیان در منطقه و متحدان اهل سنت و مسیحی آن‌ها معنا می‌یابد. فشار بر شیعیان لبنان، مناسبات را در دیگر مناطق دستخوش تغییر می‌کند؛ به عنوان مثال فشار عربستان و امارات به شیعیان لبنان، می‌تواند موجب فشار شیعیان عراق و یمن علیه این دو کشور و متحدانشان در منطقه شود. به هرحم و مرج کشیدن لبنان می‌تواند ضمن آسیب به منافع بازیگران در این کشور، منافع آن‌ها در سرزمین‌های اشغالی و سوریه را دچار ضربه کند. از این‌رو آمریکا و صهیونیست‌ها کار آسانی برای ایجاد تغییر در لبنان ندارند.

طی درگیری‌های ۲۲ ماه اخیر پیوسته بودن جبهه‌ها تجربه شده و به‌ویژه در خصوص لبنان اعمال شده‌است. عملیات و عده‌صادق ۲ عملاً در پشتیبانی از مقاومت لبنان پس از ترور دبیرکل این گروه اجرایی شد. این پیوسته شدن به معنای اجرای اقدامات هماهنگ است که می‌تواند اضافه بر توانمندی‌های داخلی و خارجی مقاومت لبنان، دشمنان لبنان را هدف قرار دهد.

تفاوت شیعیان با دیگر گروه‌ها در داخل لبنان

شیعیان که با مقاومت یکسان انگاشته می‌شوند، در داخل لبنان ویژگی‌هایی دارند که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده‌است. از نظر توانمندی نظامی قدرتمندترین گروه هستند. بیشترین نیرو در اختیار آن‌هاست و به دلیل حضور در جنگ سوریه و نبردهای متعدد با رژیم صهیونی دارای بیشترین تجربه و حجم سلاح هستند. سلاح دیگر گروه‌ها برای اثرگذاری در داخل و حفظ سهم طائفه‌شان است؛ اما سلاح مقاومت در برابر دشمن خارجی و دفاع ملی از کل کشور است. به‌عنوان مثال در شرایطی که مقاومت لبنان هدف قرار می‌گیرد، بسیاری از گروه‌های لبنانی ساکتند؛ اما نمی‌توان شرایطی را تصور



کابینه اسرائیل برای اشغال کامل غزه به اختلاف خورده‌است

قمار خونین در غزه

اسرا در آنجا نگهداری می‌شوند، ممکن است حماس را وادار به اعدام آن‌ها کند یا اسرا در جریان درگیری‌ها کشته شوند. گذر از این خط قرمز اوضاع داخلی اسرائیل را سیاه‌تر از وضع موجود خواهد کرد.

اختلاف در طبقات بالای ارتش

در میانه این بحث‌ها و اختلافات، «عیال زئیر» رئیس ستاد کل ارتش، سفر برنامه‌ریزی شده خود به ایالات متحده را لغو کرد. این اتفاق به عنوان نشانه‌ای از بحران داخلی در میان رهبران نظامی و سیاسی اسرائیل تفسیر شد. اگرچه یک منبع نظامی دلیل این لغو را «نبود آتش‌بس» و «مسئولیت سنگین بر دوش او» اعلام کرد، اما بسیاری این اقدام را به مخالفت زئیر با طرح تانیاهو و اختلاف نظر با نخست‌وزیر مرتبط می‌دانند. اختلاف نظرهای آشکار میان زئیر و تانیاهو به نقطه‌ای رسیده که برخی رسانه‌های عبری از احتمال استعفاي زئیر سخن می‌گویند. زئیر که از زمان تصاحبش در اسفند ۱۴۰۳ تاکنون چند پرونده مهم ازجمله جنگ اخیر با ایران، یورش علیه سوریه و تش‌های لبنان را مدیریت کرده، اکنون با چالش تصمیم‌گیری و اختلاف نظر در غزه مواجه است. او مثل بسیاری از فرماندهان پیشین ارتش، معتقد است حضور نظامی بلندمدت در غزه پرهزینه، بی‌نتیجه و غیرقابل توجیه است.

سفر ویتکاف به تل‌آویو

در روزهای اخیر استیو ویتکاف فرستاده ایالات متحده، به اسرائیل سفر کرد تا با خانواده‌های اسرا و مقامات اسرائیلی دیدار کند. او با اظهاراتش در تل‌آویو سعی کرد این پیام را منتقل کند که ایالات متحده خواهان تغییرات جدی در اوضاع است. او به خانواده‌ها گفت دولت ترامپ به دنبال یک «چهارچوب جامع» برای پایان دادن به جنگ و آزادی همه اسراست و دیگر از «توافق‌های جزئی» حمایت نمی‌کند. این رویکرد می‌تواند فشار بیشتری بر تانیاهو وارد کند، زیرا او پیش از این برای حفظ ائتلاف خود به توافق‌های مرحله‌ای برای اسرا نیاز داشت تا بتواند در عین حال توانایی نقش آتش‌بس و از سرگیری جنگ را حفظ کند.

جبران گاف‌های امنیتی

در ماه‌های اخیر، دستگاه‌های امنیتی اسرائیل با چندین گاف بزرگ روبه‌رو شده‌اند که منجر به انتقادات شدید داخلی شده است. رزمندگان فلسطینی با بهره‌گیری از تاکتیک‌های جنگ شهری و کمین، ارتش اسرائیل را در مناطق متراکم غزه زمین‌گیر کرده‌اند. رسانه‌های صهیونیستی از افزایش خودکشی میان نظامیان این رژیم خبر می‌دهند. در چنین فضایی، اشغال کامل نه تنها

از زبان‌های سقوط سوریه برای صهیونیست‌هاست؛ چه اینکه از نظر تأمین تسلیحات نیز سقوط سـوریه گرچه ضررهایی به مقاومت وارد آورد، اما هم‌زمان فرصت‌هایی در اختیارش قرار داد.

آیا مسیر سوریه کاملاً مسدود شده‌است؟

مسیر سوریه به طور کامل بسته نشده، بلکه حتی با وجود نظارت‌های جولانی، انتقال سلاح ادامه دارد.

برخی عوامل تأمین سلاح گسترده‌تر شده‌اند. فروپاشی ارتش سوریه و به غارت رفتن سلاح‌ها باعث شده بسیاری از افراد و گروه‌های دست‌یافته به این سلاح‌ها، آن‌ها را با هزینه‌های کم و در حجم انبوه به فروش برسانند.

مردم به دلیل نگرانی از اوضاع اقتصادی و گروه‌های جدیدالورود به حومت برای تقویت جایگاه خود نسبت به جناح‌های رقیب نیاز به منابع مالی دارند که بخشی از آن از مسیر قاچاق سلاح به دست می‌آید.

قوای امنیتی در سوریه کنترل کاملی بر اوضاع ندارد؛ نخست آنکه جولانی به تعداد کافی نیرو برای مراقبت و کنترل اوضاع ندارد. او با قوای ۲۰ تا ۳۰ هزار نفری تحریرالشام جایگزین ارتش و نهادهای امنیتی سوریه با بیش از ۳۰۰ هزار عضو شده‌است؛ تقریباً یک‌دهم قوای قبلی. دوم آنکه این نیروها هماهنگی ندارند. سـومین مسئله به آموزش نا کافی آن‌ها باز می‌گردد، عامل چهارم آشنائنبودن با جغرافیاست؛ بسیاری از نیروهای جولانی اهالی شمال یا ترویرست‌های خارجی هستند که در ادلب مستقر بوده‌اند و با مناطق مرکزی سوریه آشنایی ندارند. جمع این مسائل باعث شده جولانی قادر به نظارت مؤثر نباشد. راهکار او تجمع دادن ترویرست‌ها در مرز با لبنان بوده تا ضمن ایجاد سایه تهدید بر این کشور و خودنمایی در برابر آمریکا، بتواند با استقرار گسترده در مرز به‌عزم مسیر انتقال سلاح را نیز این‌گونه مسدود کند.

راه‌های جایگزین سوریه

مقاومت لبنان برای اقطاب با وضعیت جدید سوریه باید راهکار‌هایی را در پیش گیرد.

تغییر تاکتیک‌های نظامی

به‌جای تمرکز بر حمله به اهداف دشمن از دور، مانند هدف‌گیری پادگان‌ها و مراکز تجمع خودروهای زرهی با موشک و راکت، سربازان و تانک‌ها از فاصله نزدیک با اجرای کمین‌ها هدف گرفته می‌شود. لبنانی‌ها با تغییر تاکتیک نیازهای خود به مصرف سلاح را مدیریت می‌کنند.

تغییر تسلیحاتی

با بسته‌شدن مسیر سوریه، تأمین موشک‌های هدایت‌شونده ضدتانک برای مقاومت لبنان دشوار شده، اما با تغییر تاکتیک‌ها و حمله از نزدیک به دشمن، به‌جای استفاده از موشک‌های هدایت‌شونده، بهره‌گیری از راکت‌هـای ضدتانک افزایش می‌یابند، همچنین به‌جای اتکا به راکت و موشک، از پهپادها در اندازه‌های مختلف استفاده خواهد شد که انتقال و مونتاژ آن‌ها با سهولت بیشتری همراه است.

تغییر رویکرد

مقاومت لبنان بنابر دلایل انسانی و البته برای محدودکردن دایره تلفات خودی، کمتر به شهرهای رژیم حمله می‌کرد، اما در دوره جدید، حملات با خشونت بیشتری همراه خواهد بود.

منابع جدید تأمین سلاح

سوریه و خاک آن تنها منبع تأمین سلاح نیستند. انتقال سلاح به لبنان از مسیرهای مختلفی قابل‌بگیری است.



کابینه اسرائیل برای اشغال کامل غزه به اختلاف خورده‌است

قمار خونین در غزه

گروه‌ای از یحران اسرا باز نمی‌کند، بلکه ممکن است به حکم اعدام غیررسمی آنان بدل شود. این موضوع به علاوه ناتوانی در آزادی اسرا و شکست در دستیابی به اهداف اصلی جنگ، اعتبار ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی را زیر سؤال برده اسـت. این گاف‌ها بهانه‌ای برای تانیاهو فراهم کرده تا با طرح‌های رادیکال‌تر مانند اشغال کامل غزه، وانمود کند که در حال اصلاح اشتباهات و بازگرداندن اعتبار است.

خنثی‌سازی فشار داخلی

ناآرامی‌های ناشی از وضعیت غزه، دو نتیجه متفاوت برای کابینه تانیاهو به دنبال دارد.

اول. تحریک تانیاهو به حمله: تانیاهو می‌تواند از این ناآرامی‌ها به عنوان فرصتی برای پرت کردن حواس افکار عمومی از مشکلات داخلی و فساد در دولت خود استفاده کند. حمله به غزه و اشغال کامل آن می‌تواند توجه‌ها را به سمت یک پیروزی نظامی احتمالی جلب کند و به او فرصت دهد تا از فشارهای سیاسی و قضایی فرار کند.
دوم. اثرگذاری بر تصمیم‌گیری: همین ناآرامی‌ها می‌تواند قدرت تصمیم‌گیری کابینه را محدود کند. او با توجه به مخالفت‌های داخلی و فشار خانواده‌های اسرا، تانیاهو در یک موقعیت شکننده قرار دارد و هر اقدام اشتباهی می‌تواند کار را برایش سخت‌تر کند. این وضعیت، او را به محتاط بودن وادار می‌کند؛ اما با توجه به سـابقه سیاه او احتمال اتخاذ یک تصمیم غیر منتظره و خطرناک همچنان بالاست.

تغییر ژئوپلیتیک منطقه

تصمیم تانیاهو برای اشغال کامل غزه را می‌توان در چهارچوب تلاشی هدفمند برای مهندسی مجدد ژئوپلیتیک منطقه ارزیابی کرد. منابع نزدیک به نخست‌وزیر صهیونیستی تأیید کرده‌اند طرح اشغال کامل، کارکردی دوگانه نیز دارد. از یک‌سو ابزار چانه‌زنی و فشار بر حماس در مذاکرات تبادل اسراست و از سوی دیگر گامی برای تغییر بنیادین ساختار سیاسی و جمعیتی غزه. این طرح تلاشی است برای بازگرداندن اشغالگری پیشین اسرائیل که از سال ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۴ آن‌ها می‌خوانند همان طرح را این بار با پوشش امنیتی و ضدتروریسم اجرا کنند. گزارش‌هایی هم وجود دارد که ادعا می‌کند تل‌آویو به دنبال ایجاد تغییرات جمعیتی و مهاجرت اجباری فلسطینیان و انتقال بخشی از جمعیت غزه به کشورهای ثالث است. این طرح در صورت اجرایی‌شدن دیگر چیزی از کشور فلسطین باقی نخواهد گذاشت که کشور با بخوانند زحمت تصمیم درباره به رسمیت شناختن آن را بکشند.